

«اربعین؛ آغازی برای یک پایان»

پیام: «اربعین فقط یک تفریح معنوی نیست، اصلی ترین کارکرد آن، تمدن سازی و تمدن سوزی است. اربعین حرف تازه‌ما برای بشریت خسته از مدیریت ناکارآمد جهانی است. تمدن غرب اگرچه گره از گره های بشریت را باز کرده است، اما هزاران گره ناگشوده، در زندگی بشر ایجاد کرده است. اربعین، آغازی است برای پایان تمدن پوسیده و ناکارآمد غرب.»

دلی که در اربعین جا ماند

یک نفر بعد از یکی از جنگهای امیرالمومنین آمد پیش حضرت، گفت: «آقا خیلی دوست داشتم برادرم، پای رکاب شما بجنگد و این پیروزی شما را ببیند اما موفق نشد. حضرت فرمود: «أَهْوَىٰ أَخِيكَ مَعَنَا؛ برادرت دلش می خواست با ما باشد؟» گفت: «بله! آقا» حضرت فرمود: «نه تنها برادر تو، بلکه آیندگانی که الان هم نیستند اگر دلشان می خواست در این جا باشند، با ما هستند.»^۱

من با این جمله امیرالمومنین کار دارم، (۱) ببینید امیرالمومنین، که علم اول و آخر نزد اوست. حضرت فرمود: «هزاران باب علم را پیغمبر به روی من گشود.»^۲ (۲) امیرالمومنینی که فرمود: «من به راه های آسمان ها، آشناتر هستم، تا به راه های زمین.»^۳ (۳) امیرالمومنینی که به سینه خودش اشاره می کرد و می فرمود: «اینجا علم موج می زند.»^۴ این علی عالم به علم اول و آخر یک سوال فنی می پرسد؛ می فرماید: «آیا برادرت دوست داشت، دلش می خواست با ما باشد؟» رفقاً! (۱) کدامیک از شما دلتان می

^۱ «وَ قَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانَا كَانَ شَاهِدَنَا لِيَرَى مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَىٰ أَعْدَائِكَ فَقَالَ لَهُ ع [عَلِيٌّ ع] أَهْوَىٰ أَخِيكَ مَعَنَا فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا [قَوْمٌ] أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲)

^۲ «فَتَحَّ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [فِي مَرَضِهِ] مِفْتَاحَ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ، كُلُّ بَابٍ يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ» (سليم، ج ۲، ص ۹۰۰)

^۳ «سَلَوْنِي [عَمَّا سِئْتُمْ] قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَ اللَّهُ إِنِّي يَطْرُقُ السَّمَاءَ أَعْلَمُ مِنِّي يَطْرُقُ الْأَرْضَ» (سليم، ج ۲، ص ۷۱۲)

^۴ «إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا وَ أَوْمًا إِلَىٰ صَدْرِهِ بَيِّدَهُ» (الغارات، ج ۱، ص ۹۰)

خواست الان در حرم امیرالمومنین باشید؟^۲) کدامیک از شما دلتان در اربعین جا مانده است؟ (۳) کدامیک شما بی قرار اربعین هستید، گفتید یا اباعبدالله! ما هم دلمان می خواست اربعین بیایم پیش شما باشیم؟ (۴) کدامیک از شما دلتان می خواست، قدم به قدم، عمود به عمود بروید به سمت کربلا؟

۵) به خدا قسم اگر از امیرالمومنین سوال کنید، آن رفقای که رفتند نجف! آی آنهایی که رفتید نجف، از امیرالمومنین این سوال را کنید: «یا امیرالمومنین! این بچه ها دلشان خیلی می خواست اربعین بیایند اما نشد آقا جان! اینها در حرم شما هستند؟» می دانید جواب حضرت چیست؟ (با ما هستند. تو حرم من علی هستند. این ها بچه های من هستند. اینها غریبه نیستند.)

اربعینی ها! این قدر دل علی را آتش نزنید، به خدا امیرالمومنین بیشتر از شما دلش برای شما تنگ شده است. امیرالمومنین احساسی، امیرالمومنینی که در فراق دوستان خودش بالای منبر به صورت خودش می زد و گریه می کرد.^۵

یکی از دوستان امیرالمومنین مریض شد، چند روزی نیامد پیش حضرت، می گوید: «روز جمعه قدری حالم خوب شد رفتم نماز جمعه، وسط خطبه های حضرت، حالم خراب شد»، حضرت بعد از نماز جمعه فرمودند: «فالانی! چرا به خودت می پیچیدی؟» اجازه می دهید از حضرت سوالی بپرسم: «یا علی! یعنی اینقدر هواسه به دوستان هست؟» آن شخص می گوید: «قصه بیماری و حال بدم وسط نماز را به آقا گفتم، حضرت فرمود: «شما مریض بشوید ما مریض می شویم.» بعد فرمود: «شما دلتان می گیرد، دل ما هم می گیرد.» چه کسانی دلشان برای امیرالمومنین گرفته است؟ گفتم آقا این رابطه فقط مخصوص ما و شما هست حضرت فرمود: «نه مخصوص شما نیست بلکه شرق و غرب عالم هر مومنی که باشد ما چنین ارتباطی با او داریم.»^۶ چه ارتباطات روحی بین امام و امت برقرار هست؟!

^۵ «أَيْنَ عَمَّارٍ وَ أَيْنَ ابْنِ التَّيْهَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ... ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ [إِلَى] عَلَى لِحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ فَاطَالَ الْبُكَاءُ» (نهج البلاغه، خ ۱۸۲)

^۶ «عَنْ رَمِيْلَةَ قَالَتْ: وَعَكَتُ وَعَكَأْتُ شَدِيداً فِي زَمَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَوَجَدْتُ مِنْ نَفْسِي خِطَّةً فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ قُلْتُ لَأَعْرِفُ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أَفِيضَ عَلَى نَفْسِي مِنَ الْمَاءِ وَ أَصْلَى خَلْفَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَفَعَلْتُ ثُمَّ جِئْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَمَّا صَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ

دلتنگی امام، عامل بی قراری ما برای زیارت

ما چه خبر داریم از این عالم؟ اصلاً بگذارید؛ یک طور دیگر بگویم، (۱) دیدی چقدر بی قرار زیارت می شوی؟ (۲) دیدی چقدر بی قرار اربعین هستی؟ (۳) دیدی چقدر دلت، لک زده برای اربعین، می دانی دلیلش چی هست؟ (۱) امیرالمومنین، امام حسین (ع) دلش برای تو تنگ شده است. (۲) دل امام بگیرد، دل شما هم می گیرد. (۳) اگر می بینی بی قرار اربعین هستی، بی قرار نجف هستی، این بی قراری امام تو هست، به تو منتقل می شود. آرام نمی شوی.

راوی می گوید پیش امام صادق (ع) گفتم: «آقا گاهی بی جهت دلم می گیرد، بی جهت دلم شاد هست دلیلش چیست؟» حضرت چقدر دقیق جواب دادند فرمودند: «وقتی دل امامت می گیرد، دل تو هم می گیرد، وقتی دل امامت شاد هست، تو هم دل شادی؛ لَأَنَّا إِذَا دَخَلْنَا حُزْنَ أَوْ سُورُورًا كَانَ ذَلِكَ دَاخِلًا عَلَيْنَا»^۷

این آقا اصلاً بی جهت دلش گرفته بود حضرت به او فرمود: «به خاطر دل امامت هست. شادی و غم بی دلیلست»، حالا که غم من و شما که دلیلش مشخص هست. بی قراریم برای زیارت، این بی قراری آیا دلیلی جز این دارد که دل امام حسین (ع) پر پر می زند. دل امیرالمومنین برای ما یک ذره شده؟ شما دلیل دیگری برای این بی قراری پیدا می کنید؟ خدا! به دل حسینت رحم کن! بگذار بیایم کربلا!

الْمَنِيرِ عَادَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْوَعْدَ فَلَمَّا انصَرَفَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ دَخَلَ الْقَصْرَ دَخَلْتُ مَعَهُ فَقَالَ يَا رَمِيلَةَ رَأَيْتِكَ وَ أَنْتَ مَتَشَبِكُ بَعْضُكَ فِي بَعْضٍ فَقُلْتُ نَعَمْ وَ قَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ الَّتِي كُنْتُ فِيهَا وَ الَّذِي حَمَلَنِي عَلَى الرَّغْبَةِ فِي الصَّلَاةِ خَلْفَهُ فَقَالَ يَا رَمِيلَةَ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضًا يَمْرُضُهُ وَ لَا يَحْزَنُ إِلَّا حَزَنًا يَحْزِنُهُ وَ لَا يَدْعُو إِلَّا أَمْنًا لِدَعَائِهِ وَ لَا يَسْكُتُ إِلَّا دَعْوَانَا لَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا لِمَنْ مَعَكَ فِي الْقَصْرِ أَرَأَيْتَ مَنْ كَانَ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ قَالَ يَا رَمِيلَةَ لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا فِي غَرْبِهَا» (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۹)

^۷ «عن أبي بصير: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَعِيَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي لَأَغْتَمُّ وَ أَحْزَنُ مِنْ غَيْرِ أَنْ أُعْرِفَ لِذَلِكَ سَبِيًّا، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ ذَلِكَ الْحُزْنَ وَ الْقَرْحَ يَصِلُ إِلَيْكُمْ مِنَّا؛ لَأَنَّا إِذَا دَخَلْنَا حُزْنَ أَوْ سُورُورًا كَانَ ذَلِكَ دَاخِلًا عَلَيْنَا، لَأَنَّا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» (علل الشرائع، ج ۱، ص ۹۳)

شاید این جمله خودخواهانه باشد ولی خدایا! اگر نگذاری ما برویم کربلا، هلاک می شود ابی عبدالله (ع) در دوری ما! اما این واقعیت هست.

بی قراری برای اربعین، علامت سلامت جامعه

بی قراری برای اربعین در یک جامعه، علامت بسیاری از سلامتی های روحی و روانی هست. فرمود: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ ع وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ؛ خدا خیر کسی را بخواهد، به دلش می اندازد محبت امام حسین (ع)، جدای از محبت امام حسین (ع)، خدا خیر کسی را بخواهد، محبت زیارت حسین (ع) هم به دلش می اندازد»^۸

راز قرآنی «دلم هوای حسین را کرده است»!

دل ها را خدا مدیریت میکند. دیدی می گویی: «۱» به دلم افتاده بروم زیارت، ۲) دلم لک زده برای زیارت، ۳) دلم هوای زیارت کرده» این ها، همان علائم سلامت یک جامعه هست. بگذار راز قرآنی دلم هوای حسین را کرده است، راز قرآنی اش را برایتان بگویم.

در قرآن کلمه ای داریم به نام «هوی» که در فارسی هم با تعبیری مثل «هوی و هوس» به کار می رود. قرآن می فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۹ آیا نمی بینی که بعضی ها هوای نفس خود را خدای خودشان قرار داده اند! اینها هواپرست هستند.

«هوی» در روایات ما معمولاً معنای بدی دارد. هوی یعنی هوس؛ یعنی دوست داشتن چیزهایی که بی ارزش است. ولی در یک آیه قرآن، همین کلمه «هوی» معنای عجیبی پیدا کرده است، عالی ترین معنایی که می شود برای علاقه یک انسان تصور کرد، در این آیه قرآن، برای «هوی» در نظر گرفته شده است.

^۸ کامل الزیارات، ص ۱۴۲.

^۹ جائیه، ۲۳.

حضرت ابراهیم(ع) به درگار خدا عرضه می‌دارد: خدایا، من بعضی از فرزندانم (اسماعیل و مادرش) را در یک سرزمین بدون آب و علف، ساکن کردم «فَأَجْعَلُ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ»^{۱۰} خدایا دل‌های مردم را به‌سوی اینها علاقه‌مند کن! یعنی «خدایا کاری کن که مردم، هوای بچه‌های مرا کنند» جالب است که در اینجا نه از کلمه «حبّ» استفاده کرد، نه از کلمه «ودّ» استفاده کرد- که این هر دو، در آیات دیگر قرآن وجود دارد.

امام‌باقر(ع) می‌فرماید: اینکه حضرت ابراهیم(ع) فرمود «تهوی الیهم» یعنی تهوی إِلَيْنَا إِنِنَّا^{۱۱} این دعای حضرت ابراهیم(ع) یعنی اینکه خدایا کاری کن دل‌های مردم به‌سوی اهل‌بیت(ع) هوایی شود و هوای اهل‌بیت(ع) به سرشان بزند.

آیه «فَأَجْعَلُ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ»^{۱۲} یعنی «خدایا دل‌های مردم را به‌سوی اهل‌بیت(ع) هوایی کن!» «هوی» فقط در یک مورد، خوب است و آن «هوایی‌شدن برای اهل‌بیت(ع)» است. کما اینکه حضرت ابراهیم(ع) از خدا می‌خواهد «هوای بچه‌های مرا به دل مردم بینداز» یعنی وقتی سراغ بچه‌های من می‌آیند «هوایی» بیابند، طوری که مردم بگویند «اینها انگار دیوانه شده‌اند!» البته درباره محبت اهل‌بیت(ع) و خصوصاً درباره عشق حسین(ع) باید گفت: «هرکه دیوانه ز عشق تو نشد عاقل نیست، عاقل آن است که از عشق تو دیوانه شود»^{۱۳}

باید خیلی هوای این هوای حسین کردن و هوای اربعین کردن را داشته باشیم. یکی از نظریه پردازهای مطرح غرب، نظریه دارد با عنوان «میکروپولتیک میل‌ها و میکروفیزیک قدرت» می‌گوید: «برای پیروزی بر یک کشور باید «میل مردم» را تغییر دهیم. اگر میل مردم از شهادت طلبی، ایثار، جوانمردی

^{۱۰} ابراهیم، ۳۷

^{۱۱} «...ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ فَاجْعَلْ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ فَقَالَ أَلْ مُحَمَّدٍ أَلْ مُحَمَّدٍ ثُمَّ قَالَ إِلَيْنَا إِلَيْنَا» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۴)

^{۱۲} ابراهیم، ۳۷، س.

^{۱۳} توضیحات آیه در بخش تهوی الینا، از استاد علی‌رضا پناهیان، مسیر نجف کربلا - عمود ۲۸۶ ارائه شد.

و دهها عاملی که به عنوان فرهنگ شکل گرفته است به رفاه طلبی، غربردگی و ... تغییر نیابد مانند این است که آب در هاون می کوبید. این میل ها هم تغییر نمیکند مگر اینکه ارکان یک قدرت از آن حمایت کند.»

چقدر تلاش کردند، مبدا میل مردم به امام حسین (ع) را تغییر دهند، خیلی باید از میراث اجتماعی و فرهنگی خودمان بیشتر از پولی که در بانک ها داریم، حفاظت کنیم.

خیلی حسین زحمت ما را کشیده است

بنابراین بی قراری برای زیارت، علامت سلامت یک جامعه است و شما نمی دانم می دانید یا خیر؟ برای اینکه جامعه به این حد از رشد یافتگی برسد، چه زحماتی را اولیای خدا کشیدند؟ امام سجاد(ع) فرمودند: «در زمان ما در مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که محب ما باشند.»^{۱۴} مکه و مدینه پیغمبر دیده، پیغمبری که آنقدر سفارش به محبت اهل بیتش می کرد. و خدا هم این محبت را واجب کرد فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^{۱۵}

اولیای خدا، چه خون دل‌هایی خوردند تا جامعه رشد کند، برسد به اینجا که ما رسیدیم. «بی قراری برای زیارت»، این اتفاق ساده است؟ بعضی ها به سادگی از کنار «حالات قلبی جامعه» عبور میکنند؟

مگر چیز ساده است که جامعه دلش می تپد برای اربعین؟ این جامعه زنده هست و این جامعه حیات دارد. همان طور یک فرد حیات دارد؛ یک جامعه هم حیات دارد بعد یکی از علائم حیاتی یک جامعه چیست؟ یکی از علامت های آن همین بی قراری برای اربعین هست و این غم و تاسف دل های جا مانده از اربعین. این حیات را چه کسی جز سیدالشهدا به ما داده هست؟ «دست من و تو نیست اگر نوکرش شدیم خیلی حسین زحمت ما را کشیده است.»

^{۱۴} « مَا يَمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ عَشْرُونَ رَجُلًا يُحِبُّنَا » (شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۴)

^{۱۵} شوری، ۲۳.

ما با اربعین در معرض نعمت بزرگی هستیم

خدایا ما در معرض یک نعمت بزرگ قرار دادی، یعنی اربعین و بی قراری برای زیارت حسین (ع) «از دست و زبان که بر آید. کز عهده شکرش به در آید» دیدی آخر زیارت عاشورا می روی سجده، در سجده شکر چی می گوی؟ می گویی خدایا ممنونتم مرا مصیبت زده امام حسین (ع) کردی.

شخصی آمد پیش امام باقر (ع)، غذا بخورد، غذا خیلی بهش چسبید حضرت فرمود: «چطور بود؟» گفت: «آقا خیلی خوش مزه بود! اما یاد آیه قرانی افتادم.» «کدام آیه؟» گفت: «آن آیه که قیامت خدا از نعمت ها می پرسد؟ «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^{۱۶} حضرت فرمود: «فلانی! اگر شما مهمانی دعوت کنید، به او غذایی بدهید، بعد از غذا از او بازخواست می کنید، چه چیزی خوردی یا نخوردی؟» گفت: «نه آقا» حضرت فرمود: «خدا، کریم تر از این هست که از آب و غذا بپرسد.»^{۱۷} گفت: «آقا پس منظور از این نعمتی که خدا فردای قیامت می پرسد با آن چه کردی چیست؟» حضرت فرمود: «نعمت ما، نعمت محبت ما اهل بیت.»

چرا مبتلای به فراق اربعین شدیم؟

حالا ما در معرض نعمت بزرگی هستیم از جنس محبت اهل بیت، که فردای قیامت از ما سوال خواهد شد، آن نعمت بزرگ چیست؟ نعمت اربعین. هرچقدر نعمت بزرگتر، شکرش بزرگتر. اگر شکرگذار اربعین بودیم، اربعین های سال بعد هم روزی ما خواهد شد. فرمود: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^{۱۸} اگر امروز راه

^{۱۶} التكاثر، ۸.

^{۱۷} «عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاذِبِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ فِدَعَا بِالْعَدَاءِ فَأَكَلْتُ مَعَهُ طَعَامًا مَا أَكَلْتُ قَطُّ طَعَامًا أَنْظَفَ مِنْهُ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الطَّعَامِ قَالَ يَا خَالِدُ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا رَأَيْتُ أَنْظَفَ مِنْهُ قَطُّ وَ لَا أَطْيَبَ وَ لَكِنِّي ذَكَرْتُ الْآيَةَ الَّتِي فِي كِتَابِ اللَّهِ - لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ » (المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۹) و « فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ لَا إِنَّمَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ » «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فِي قَوْلِهِ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ مُؤْمِنًا عَنْ أَكْلِهِ وَ شَرِبِهِ.» (المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۹)

^{۱۸} ابراهیم، ۷.

اربعین به روی ما بسته شده است. حتما ناسپاسی های نسبت به اربعین داشته ایم. باید از این ناسپاسی ها، توبه کنیم. اگر می خواهیم راه اربعین باز شود، راهی نداریم جز اینکه شکر گذار اربعین باشیم.

حال شکرگذاری اربعین به چیست؟ به اربعین شناسی. کفر به اربعین چیست؟ به اربعین شناسی. حضرت فرمود: همین که نعمتی را شناختی، همین را خدا به عنوان شکر از تو قبول می کند؛ مَنْ أُنْعِمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا. «^{۱۹} خدایا! قبول دیگر؟ بله. تو فقط نعمت مرا بشناس، همین می شود شکر تو.

یا امام عسکری (ع)، فرمودند: «لَا يَعْرِفُ النَّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ ، وَ لَا يَشْكُرُ النَّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ بِالنِّعْمَةِ ؛ نِعْمَتٌ رَا جَز شَاكِرٌ نَمِي شِنَاسِدُ وَ جَز كَسِي كَه نِعْمَتٌ رَا شِنَاخَتٌ، شُكْرٌ گِذَار نِعْمَتٌ نَمِي شُود»^{۲۰}

چه حرف تازه و نوی برای مردم جهان داریم؟

ما برای اربعین شناسی، اول باید ببینیم در چه وضعیتی هستیم. تا الان را شناسیم، محال هست اربعین را بشناسیم. وضع امروز ما خیلی کمک می کند به ما، برای شناخت عمیق اربعین؛ ببینید ما امروز، در جهانی زندگی می کنیم که خسته از ظلم و جور هستند، جهانی که خسته و سرخورده از مدیریت جهانی است.

مردم جهان در مقام یاس از مدیریت کفر قرار دارند و این خیلی مبارک است

رفقا مردم جهان! امروز در مقام یاس از مدیریت کفر قرار گرفتند، این واقعیتی هست که ما در آن قرار داریم. این یاس از مدیریت کفر، خیلی مبارک هست. بشریت، دیگر حاضر نیست، زیر یوق ستم طواغیت بماند. مردم غرب، دیگر حاضر نیستند فریب شعارهای رنگی حاکمان خودشان را بخورند. وقتی مردم مایوس از کفر شدند چه اتفاقی می افتد؟ کافر به طاعت می شوند. کافر به طاعت می

^{۱۹} کافی، ج ۲، ص ۹۶.

^{۲۰} اعلام الدین، ص ۳۱۳

شوند یعنی چه؟ یعنی دیگر فریب دموکراسی و نظام سرمایه داری را نمی خورند. این آخرین حرف نجات بخش برای بشر بود که جواب نداد. کفر به طاغوت یعنی مشیت حاکمان فاسد غرب، برای مردم غرب باز شده و می دانند اینها بردگان صهیونیسم جهانی هستند و مهرهٔ پهلو هستند، اینها به دنبال منافع مردم نیستند.

ای کاش! ای کاش! ما آنقدر قوی بودیم که فقر و فلاکت و بدبختی مردم غرب را از زبان خود آن مردم، نشان می دادیم. رفقا! مردم غرب از تمدن غرب خسته شده اند و دلزده، این را به چه زبانی بگویم، اگر فقط همین واقعیت را می توانیستم منتقل کنیم، دیگر غرب پرستی، متحجر به غرب، در کشور ما جرات نداشتند از غرب دفاع کنند. برای غرب سینه چاک دهند. مردم بدبخت غرب، فهمیدند اینها نفهمیدند.

ظهور همراه با یاس از تمدن غرب رخ می دهد

ظهور، همراه با یک یاس است، یاس از مدیریت کفر، یاس از نظام سرمایه داری، یاس از تمدن غرب. مردم غرب، توحش و بی رحمیت که در ذات تمدن غرب هست را می فهمند و نفرت دارند این یعنی یاس از کفر. چرا می گوئیم ظهور همراه با یاس از کفر هست؟ چون امام باقر (ع) فرمود: «دَوْلَتْنَا أُخِرُ الدُّوْلَ، وَ لَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ لَهْمَ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا، لِيَأْتِيَ قَوْلُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا: إِذَا مَلَكَنا سِرْنَا مِثْلَ سَيْرَةِ هُوَلَاءِ!»^{۲۱} یعنی دولت ما اهل بیت، آخرین دولت هست و هیچ مکتب و فکری نیست مگر اینکه قبل از ما به حکومت رسیده است تا اینکه هیچ کسی ادعا نکند اگر ما حاکم می شدیم مثل حکومت اهل بیت ع برقرار می کردیم.

^{۲۱} الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

کدام تمدن امروز مدعی نجات بشر هست؟

کدام تمدن امروز مدعی نجات بشر هست؟ بسم الله ... این وضعیت مدیریت عالم هست؟ این همه خونریزی؟ این همه غارت، فقر، گرسنگی؟ ...

رفقا! الان ما در چه وضعیتی هستیم؟ این را باید خیلی خوب بفهمیم. وگرنه دچار اشتباهات محاسباتی می شویم؛ فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوَابِسُ؛ کسی که عالم به زمان خودش باشد، اشتباهات به او هجوم نمی آورد و اینها دچار خطای در محاسبات نمی شوند»^{۲۲}

امروز، روز افول و غروب تمدن غرب است

امروز، چه زمانه هست؟ امروز همه جا، در محافل علمی اروپا و جهان، سخن از پایان آمریکا و تمدن غرب است. امروز، روز افول و غروب تمدن غرب است. اصلاً در حد یک نظریه مطرح شده است. تئوری در جهان مطرح هست به نام «انتقال قدرت؛ Power Transition» بر اساس این نظریه، «قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ» یکی پس از دیگری متولد می‌شوند، به اوج می‌رسند و در نهایت افول می‌کنند و این سرنوشت محتوم همه‌ی ابرقدرت‌ها است.

جامعه‌شناسان مشهور جهان، سخن از افول قدرت آمریکا به عنوان مظهر ابرقدرت‌های جهان سخن می‌گویند.

خدای این نظریه پردازی‌ها، آقای فوکویاما هست، اخیراً بعد از خروج آمریکا از افغانستان دوباره گفته است که «پایان دوران آمریکا خیلی زودتر فرا رسیده بود»^{۲۳} آنها چه می‌دانند از غرب، از تمدن غربی، از آمریکای مدعی مدیریت جهان، که ما نمی‌دانیم؟

^{۲۲} کافی، ج ۱، ص ۲۷.

^{۲۳} خبرگزاری مشرق، پایان هژمونی آمریکا به روایت فوکویاما، خبر شماره ۱۲۶۲۹۷۱.

امام چقدر دقیقه می فرمودند: «در خود آمریکا هم ملت آمریکا کم کم بیدار می شوند. و خواهد شناخت این ابرقدرتهایی که تحمیل می کنند خودشان را بر ملت‌ها.»^{۲۴}

ما امروز، در چنین شرایطی هستیم، که مردم غرب از تمدن غرب، خسته و دلسرد شده اند، برای این مردم خسته و دلسرد از تمدن غرب، چه حرف تازه داریم؟ «هان سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود»^{۲۵} اربعین آن حرف تازه ماست. اربعین، آغازی است برای پایان تمدن پوسیده و ناکارآمد غرب.

کارکرد اصلی اربعین، دو چیز است یکی تمدن سازی و دیگری تمدن سوزی. اربعین تمدنی را می سازد و تمدنی را می سوزاند که پدر بشریت را در آورده است یعنی تمدن غرب.

«تافلر» نویسنده و اندیشمند آمریکایی، در کتاب خودش تحت عنوان «موج سوم» می نویسد: «تمدن جدیدی در حال ظهور است، ولی انسان‌های نادان در همه جا سعی دارند آن را سرکوب کنند ... طلوع این تمدن جدید تنها واقعیت روشن زندگی ما است.» رفقا این کدام تمدن هست، که می تواند ظهور کند؟

چگونگی نابودی تمدن غرب توسط تمدن اربعین

چطور تمدن اربعین، تمدن غرب را نابود می کند؟ ببینید تمدن غرب، مبتنی بر هوای نفس است، تمدن اربعین مبتنی بر هوای حسین. حالا ببینیم کدام هوا، پیروز است؟ مستندسازی غربی آمده بود، برای پیاده روی اربعین، تحلیلش این هست که روزی این تمدن، آن تمدن را به چالش می کشد. تمدنی که هوای نفست را در خدمت هوای حسین قرار می دهی.

آن موکب دار اربعین می گفت ما کل سال هر ماه پولمان را دو بخش می کنیم. یک بخش برای اربعین کنار می گذاریم، بخش دیگر را خرج زندگی می کنیم. حالا از او بپرسی، از اینکار ناراحت هستی؟ می

^{۲۴} صحیفه امام؛ ج ۱۱؛ ص ۳۵۷.

^{۲۵} مولانا

گوید اصلاً، حال جراثت داری خانه این موکب دار عراقی، غذا نخور، ناراحت می شود. هوای حسین، بین چقدر از او هواگیری کرده است، بعد آن مستندساز غربی می گفت تازه می فهمم که چرا اربعین در سانسور خبری برگزار می شود و نمی گذارند مردم جهان زیاد از اینجا مطلع شوند؟ چون اینجا بی تفاوتی نداریم، اینجا مسئولیت پذیری توام با محبت داریم.

رفقا! تمدن اربعین، آغازی است برای پایان تمدن غرب و نزدیک هست که تمدن اربعین، تمدن غرب را به چالش بکشد و نابود کند.

الحمد لله امسال با هوشیاری دولت، مقدمات اربعین بهتر از سال های پیش است. اما هنوز راه نرفته زیاد داریم.

برخی از مدیران سیاسی ما، گاهی بسیار سطحی و ساده با مسئله تمدن سازی مثل اربعین، برخورد می کنند.

مقام معظم رهبری، سال ۵۲، در شرح خطبه نهج البلاغه، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به ظرفیت تمدن ساز اربعین اشاره کرده و فلسفه اجتماع اربعین را ذکر می کنند. این فاصله مدیران سیاسی با رهبری جامعه است.

فرمودند: «اربعین یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره ی بین المللی و جهانی، در یک سرزمین که خود آن سرزمین خاطره انگیزه است ... اگر امروز [سال ۵۲] هم شیعیان بتوانند آن سرزمین پاک و مقدس را یک چنین میعادى قرار بدهند، البته بسیار کار به جا و جالبی خواهد بود»^{۲۶}

نمی دانم چند نفر از مدیران سیاسی ما، در این حدود ده سال گذشته به سفر اربعین مشرف شده اند؟ آیا آنها نگاه تمدنی داشته اند یا نه؟ آیا اربعین در نگاه آنها، یک سفر تفریحی معنوی است یا یک سفر تمدن ساز مادی و معنوی بوده است؟

^{۲۶} نهج البلاغه / شرح هفته خطبه مشهد ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳ منشور حکومت علوی. ص ۳۸ الی ۴۲.

آیا آنها آثار تمدنی سفر اربعین را حس می کنند؟ آیا مشاورانی فهیم، جامعه شناس و فرهنگ شناس دارند، که آثار تمدنی و فرهنگی اربعین را برای آنها تبیین کنند؟ راه اربعین، راه تمدنی ماست نه یک تفریح معنوی و فوق العاده زندگی.

یادمان باشد، فرمود: «اگر کفران نعمت کنید، دچار عذاب شدید می شوید؛ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^{۲۷}.

روضه

اربعین شناس می خواهی به تو نشان دهم؟ زینب (س)، شما در خط تمدنی، حرکت زینب (س) را به سمت کربلا ببینید و تحلیل کنید. همان زینبی که وقتی که داشت امام سجاد (ع) دق می کرد از اینکه بدن شهدا را به خاک نسپردند، فرمود: «عزیز برادرم! اینجا کربلای با شکوه و عظمتی خواهد شد؛ يَنْصُبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَعْغُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ؛ اینجا برای پدرت سید الشهداء، علمی برافراشته خواهد شد که گذشت زمان تاثیری بر روی آن ندارد و اینجا ماندگار می شود»^{۲۸} زینب (س)، افق دیدش فراتر از زمان محدود سال ۶۱ هست، بانوی که امام معصوم، به فهم او، به علم او، تصریح می کند.^{۲۹} امام سجاد (ع) فرمودند: «عمه جان! شما بفرمایید کجا برویم؟ مدینه یا کربلا؟ فرمود: «برویم کربلا» اربعین رفتن زینب به کربلا، از سر دلنتگی یک خواهر برای برادر نبود، این حرکت، آغاز تمدن اربعین که به دست زینب کبری (س) کلید خورد.^{۳۰}

^{۲۷} ابراهیم، ۷.

^{۲۸} کامل الزیارت، ص ۲۶۲

^{۲۹} «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفْهَمَةٍ» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵)

^{۳۰} مقام معظم رهبری: «مسئله آمدن اهل بیت بر سر مزار سیدالشهدا (علیه السلام)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بوده است: «با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی (علیه السلام) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند، تفهیم کنند که این حادثه تمام نشد؛ مسئله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسئله ادامه دارد. به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماس است؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمانان را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه

فقط امروز حال من و شما، به کمی شبیه حال رقیه است، رقیه هم نتوانست اربعین کربلا برود. اما فرق من و شما با رقیه این هست، رقیه آنقدر تازیانه خورد، برای رسیدن به کربلا ولی ما الان فقط دلداری می دهیم همدیگر را. شوق زیارت می خواهی ببینی؟ بی قراری برای زیارت را می خواهی ببینی؟ بیا برویم خرابه شام، ببین رقیه چطور شوق زیارت دارد. فرمود: «زیارت می آید شوقی بیاید.»^{۳۱} شوق زیارت رقیه را کشت.

چه زیارتی؟ چه زیارتی مقبولی داشت رقیه خانم! «خوش آمدی ای بابا! به گوشه ویرانه خرابه ام شد روشن، تو شمع و من پروانه» پدر، با سر آمد به دنبال پدر.

— می آبی بریم دخترم پیش خودم؟

— بله بابا ولی صبر کن! صبر کن بگذار اول چادرم سر کنم.

— عمه جان! دستم توان نداره می شه چادرم را به هم بدی؟ آخ بابا خوشش نمی آید، رقیه را بی چادر ببینه! سر رو گذاشت روی دامن خودش، زائر مخصوص حسین هست.

چه زیارتی، چه سری. حسین جان! ما را بکش تا زنده شویم! رقیه را کشتی حسین جان! فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا؛ اگر مردم می دانستند چه چیزی از فضیلت در زیارت قبر ابی عبدالله الحسین ع هست، از سر شوق زیارت می مردند»^{۳۲} رقیه از شوق زیارت مرد.

آن، حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع؛ این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمیرفت و خاطره‌ی آن برای همیشه زنده میماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) به کربلا در اربعین، به این مقصود بود. لذا شما نگاه میکنید، زیارت اربعین یکی از پرمغزترین و پرمضمونترین زیارت‌هایی است که برای ائمه (علیه السلام) ذکر شده است» (۲۴/مهر/۶۶).

^{۳۱} «مَنْ آتَاهُ شَوْقًا إِلَيْهِ وَ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِمُؤْمِنِينَ وَ حُبًّا لِفَاعِلِمَةَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُ مَعَهُمْ وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ» (کامل الزیارات، ص ۱۴۲)

^{۳۲} کامل الزیارات، ص ۱۴۲.

یزید می خواست، سند ذلت به نام اهل بیت بزند، لذا اهل بیت را آورد خرابه نشین کرد تا قیامت هرکسی آمد شام، بپرسد هان! کجاست آن خرابه که می گویند زینب با عزت را خرابه نشین کردند؟ رقیه داوطلب شد! گفت: «عمه جان! من حاضرم! اینجا را تبدیل به حرم کنم. هرکسی تا قیامت آمد شام، دنبال خراب گشت، فقط حرم ببیند.»

— چطور دخترم!

— صبر کن عمه جان! شب بشود. این ها زبان حال رقیه است.

— اما عمه جان! رقیه جان! تو به بمانی شام، نمی گویی اربعین به بابایت حسین چه بگویم؟

— نمی گویی اربعین، عمه ات شرمنده می شود؟

— حسین جان! شرمنده ام رقیه را جا گذاشتم.